خشت اول

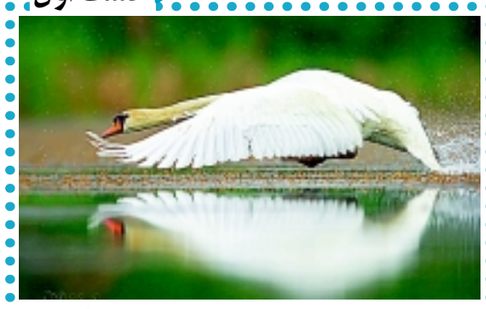

خودت را ارزان نفروش!

بیشتر دانستن درباره ازدواج و راه های رسیدن به یک زندگی ایده آل بدور از حواشی و کپسول های تمدن به ظاهر پیشرفته، بدون تردید به نسل ما کمک می کند تا ضمن گذر از اتوبان پرپیچ و خم زیست دنیایی، افق های دوردست زندگی در دنیای دیگر را نیز از رهگذر همین زندگی عاشقانه دو نفره و چند نفره، ترسیم کنیم...

***

آیا مهریه واجب است؟ بله. به چه دلیل؟ می گوید: «فرضتم لهن فریضة» (بقره/۲۳۷) فرض یعنی چه؟ واجب است. «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (کافی/ج۱/ص۳۰) فریضه یعنی واجب است.

می گوید: «فرضتم لهن فریضة» به مهریه فریضه گفته است. یعنی مهریه واجب است. این یک مورد. دیگر اینکه زن مالک مهریه است. حق ندارد مهریه دختر را پدر یا مادر یا کسی دیگر بگیرد. چون قرآن می گوید: «و آتوا النساء صدقاتهن» (نساء/۴) به خانم ها مهریه هایشان را تحویل خودشان بدهید.

از سوی دیگر پس گرفتن مهریه حرام است. مگر اینکه زن مرتکب فحشاء شود. قرآن می گوید: حق ندارید، «ولا تعضلوهن» حق ندارید به خانم ها سخت بگیرید، (لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن» (نساء/۱۹) در فشارش می گذاری که بگوید مهرم را بخشیدم. پس مهریه واجب است. به خود خانم باید بدهی. حق ندارد مرد سختگیری کند که زن مجبور شود مهرش را ببخشد.

اگر مهریه سنگین بود حق ندارید کم کنید. قرآن می فرماید: «و آتیتم احداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئا» (نساء/۲۰) اگر هم مهریه بالا بود نباید کم کنید. مقدار مهریه را باید عروس و داماد هر دو راضی باشند. «تراضیتم» (نساء/۲۴) هر دو باید راضی باشند. اگر قبل از عروسی به قول امروزی ها، طلاق داد، چون یک ضربه شخصیتی و اجتماعی به خانم خورده است این آقا باید نصف مهر را بدهد. مثلاً صد تا سکه بوده عقد کرده ولی هنوز عروسی نکرده این عقد به هم خورد. اگر طلاقی واقع شد هنوز آمیزش نکردند، از صد تا سکه باید ۵۰ تا سکه بدهد. چون این دختری که بله گفت، و زندگی اش ادامه پیدا نکرد، ضربه خورد و کسی اگر به زنش ضربه بزند، ضربه اجتماعی، آبرویی، حیثیتی، باید نصفی از مهریه را بدهد. اینجا از جاهایی است که زن ها حفظ هستند. باید پیش پیش شما بگویید. چون همه به نفع خانم ها است.

**

ازدواج موقت چطور؟ می گوید: آن هم مهریه اش واجب است. (فآتو هن أجورهن فریضة» (نساء/۲۴) حتی زن عقد موقت هم باشد، مثلاً عروس و داماد برای اینکه با هم محرم باشند بروند بیمارستان خون بدهند، بروند بازار طلا بخرند و لباس بخرند، می گویند: یک صیغه بخوانیم، حالا این ده بیست روز را باهم گفت وگو می کنیم حلال باشد. آن صیغه هم باید مهریه داشته باشد.

اسلام چقدر به زن گفته تو گران هستی، و زن ها گاه چقدر نمی فهمند و خودشان را در خیابان ها حراج می کنند. می گوید: پسر می خواهد به تو نگاه کند، باید پول بدهد. اگر خواستی همیشه به تو نگاه کند باید خرجی تو را بدهد. دخترهای ما خودشان را آرایش می کنند، مفت می گوید: نگاهم کن! یعنی اسلام گفته ارزش داری، دختر می گوید حراج هستم! حالا ببینید اسلام طرفدار زن است یا خود زن ها طرفدار... اگر حتی برای یک ساعت، برای یک ماه، برای یک هفته خواستی صیغه محرمیت بخوانی، آن هم باید پول بدهی.

**

مهریه مخصوص اسلام است؟ نه، خود حضرت شعیب هم که گفت دخترم را به موسی می دهم، گفت: به شرطی که هشت سال برای من چوپانی کنی. حالا بعضی ها می گویند: این مهریه نیست شرط ضمن عقد است. حالا به هرحال یا مهریه یا شرط ضمن عقد، بالاخره دخترش را داد و پول گرفت. حالا اسمش را لبو بگویی یا چغندر پخته. یکی است. شرط ضمن عقد باشد یا مثلاً مهریه باشد. بالاخره هزارها سال قبل از اسلام پیغمبری به نام شعیب دخترش را به پیغمبر دیگر داد و از او پول گرفت...

کار برای زن، اول گفته کاری باشد آزاد، هر وقت خواست کار کند، هر وقت خواست کار نکند. اختیاری باشد. دوم باید سبک باشد. سوم باید حتی المقدور در خارج از خانه نباشد. به چه دلیل این حرف را می زنم؟ که باید اختیاری باشد، سبک باشد، حتی المقدور در خانه باشد، لازم شد بیرون برود. به دلیل اینکه می گوید: «علموهن» یاد خانم ها بدهید، چه چیزی؟ «الغزل» (مستدرک/ج۱۳/ص۱۸۷) غزل یعنی بافندگی. خانم های شما بافندگی یاد بگیرند. بافندگی آزاد است. هر ساعتی خواست کنار می گذارد. حالا بولیز است، خیاطی است، قالی است، هرچه... هر لحظه می تواند کنار بگذارد. بچه اش گریه می کند کنار می گذارد و سراغ بچه اش می رود. سبک است، حتی المقدور هم در خانه است. چون زن یک مشکلاتی دارد. مشکلات زن کسالت هایی که مربوط به زن است. مسأله حاملگی است، مسأله زایمان هست، یک مشکلاتی دارد. پس زن مشکلاتی دارد، کار هم یک خوبی هایی دارد.

اگر خواست بیرون برود آرایش نکند. قرآن می گوید: «تبرج» (احزاب/۳۳) «تبرج» از برج است... ما برج به ساختمان هایی می گوییم که در خیابان به آدم چشمک می زند. چنین می کند به من نگاه کن! ساختمان هایی که چشمک می زنند می گویند برج. «تبرج» یعنی مثل برج نشوید. یعنی طوری بیرون نیایید که چشم ها به سمت شما برود. «فیطمع الذی فی قلبه مرض» (احزاب/۳۲) آن کسی که مریض است چشمش عقب شما بیاید. بعد هم نگفته «فیطمع الذین»، «فیطمع الذی» یکوقت می گوید خوب حالا یک پسر هرزه، من به خاطر یک پسر هرزه آرایش کنم. خود را بپوشم. این رقمی لباس بپوشم. می گوید اگر یک هرزه هم در جامعه هست، باید یک طوری کنی، هرزه ها ناکام شوند. هرزه ها به عنوانی که شما یک آدم حراجی هستی، از تو لذت نبرند...

■ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

گردش گودری

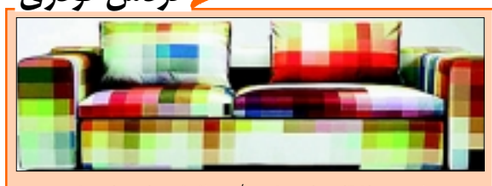

در فرصت عاشقانه ها دیر شدیم/ دور از نفس باد صبا پیر شدیم
چون سرو که لاف می زند آزاد است/ ما ریشه دوانده و زمین گیر شدیم

❋

دارم می رم تو دانشگاه طرف دم در جلومو گرفته
می گه آقا شما دانشجوی همین دانشگاهید؟
می گم پَـــ نَ پَـــ دانشجوی دانشگاه آکسفوردم
درس معارف اسلامی رو اینجا واحد میهمان گرفتم!

❋

ضعیف ترین کلمه حسرت است، آن را نخور!
سست ترین کلمه، غرور است؛ آن را بشکن!
لطیف ترین کلمه، لبخند است؛ آن را حفظ کن!

❋

مثل انتظار باغ از بهار، بی قرار دیدن تو ام
می شود دوباره سال، نو شود؟

سوژه بدهید، صفحه تحویل بگیرید!
علاوه بر ایمیل میرزا با این شماره با ما تماس بگیرید: ۳۳۹۴۱۹۹۱
برای رویت «انتهای کیفیت» به نسخه پی دی اف
در سایت کیهان و صفحه نسل سوم مراجعه کنید:
WWW.KAYHANNEWS.IR

فقط عاشق‌ها بخوانید!

غواصی نسل سوم در میان آموزه های عقلانی پیوند دو قلب

بعضی ها وقتی عاشق می شوند فکر می کند تنها «خسرو و شیرین» و یگانه «لیلی و مجنون» عالم اند، نه حرف کسی را گوش می کنند و نه یک ذره از منطقشان بهره می گیرند. وقتی هم که ازدواج کردند و مشکلی برایشان پیش آمد فکر می کنند تنها عقل کل عالم اند و گوششان به هیچ نصیحتی بدهکار نیست و اصلا مشورت را باور ندارند. اگر نگاهی به وضعیت ازدواج در کشور بیندازیم و البته آمار طلاق، آن وقت متوجه نتایج منفی این عقل کل بازی ها می شوید. یادمان باشد در بسیاری از موارد «عاشق شدن، درست ازدواج کردن و حفظ و استحکام زندگی مشترک» فقط به چند مهارت ساده نیاز دارد و اندکی «صبر» که اغلب ما در کمال غرور معتقدیم که هم مهارت داریم و هم صبور هستیم! گرچه وقتی پای زندگی مشترک و مشکلاتش پیش می آید معلوم می شود که چندان که می گوییم مهارتی نداریم برای حفظ زندگی مشترکمان. . . امروز دقایقی با ما همراه باشید تا لذت نقاشی یک پیوند عاشقانه را با هم مرور کنیم، آن هم نه به شیوه «باب راس یا باب ماست!» به شیوه ای عقلانی و منطقی برای عبور عاشقانه از گردنه های خطرناک و پیچ های تند زندگی. . .

■ تحریریه نسل سوم

به خاطر ۳ دلیل ازدواج نکنید

حواستان باشد که برای متاهل شدن نه عجله کنید و نه زیاد دست دست کنید ضمن اینکه به خاطر برخی دلایل مسخره هم تن به ازدواج ندهید.

جنگ با خانواده؛ یکی از شایع ترین دلایل منفی برای ازدواج کردن، تعارض و اختلاف با والدین است . در اغلب موارد طغیان و سرکشی علیه والدین سلطه گر و یا شورش علیه خانواده آشفته، ممکن است دلایل منطقی برای ازدواج یک فرد جوان به حساب آید که غلط است؛ ازدواج فرار از یک خانه به یک جنگل نیست!

می خواهم مستقل باشم: شباهت ظریفی بین نیاز به فرار یا سرکشی و نیاز به مستقل بودن وجود دارد. استقلال از خانواده کاری است که شما می توانید انجام دهید، اما نمی توانید انجام این کار را از شریک خود نیز انتظار داشته باشید. مستقل شدن سالها طول می کشد. رشد و توسعه استقلال فرآیندی فراتر از عملکرد شخصی شماست.

من سرخورده شده ام: سرخوردگی و جبران شکست عاطفی قبلی، دلیل منفی دیگری برای ازدواج کردن است. این سندروم چیزی است که آسان تر در اشخاص دیگر پیدا می کنیم تا در خودمان. پاسخ عمومی برای این افراد «نه گفتن» است! مثلاً می گویند: من فهمیدم تو چه می گویی اما ازدواج کردن از نوع دیگر است... شکست های عاطفی پنجره های به سوی ازدواج نیست! گول حرف های صغری خانم و اکبرآقا را هم نخورید که دیر شد، ترشیدی، پیر شدی، کچل شدی و... «چشمانتان را باز کنید قبل از ازدواج و بعد از آن سعی کنید بیشتر چشمانتان را ببندید!» هر کسی که مطلب را گرفت، صلوات بفرستد که لال از دنیا نرود!

کارت و کیک باشد برای بعد...

دقت کنید که به جای وقت گذاشتن برای کیک عروسی همدیگر را بشناسید! تا به حال به رفتارهای زوج های جوانی که در خیابان ها دنبال لباس و حلقه و کیک عروسی می گردند دقت کرده اید؟ «دیوید آلسون»، روانشناس معروف در خصوص این رفتارها که البته خیلی هم لحظات شیرینی است می گوید: «همسران وقت و پول زیادی را برای آماده شدن جشن عروسی هزینه می کنند، تا آمادگی برای ازدواج! و این در حالی است که عروسی فقط یک روز طول می کشد، درحالی که ازدواج برای تمام عمر است.»

همین آدم ها را از نزدیک نگاه کنید، زمانی که آنها برای یادگیری های اساسی ازدواج و مهارت های ارتباطی، همسری و والدینی اختصاص می دهند، بسیار کمتر بوده و این اشتباه بزرگی است. اما موضوع این است که همان قدر که به این مسائل برای یک شب عروسی توجه می کنیم و دقت می کنیم تا همه چیز به خوبی پیش رود، به مهارت ها و آمادگی هایی که باید برای زندگی مشترک پیدا کنیم نیز توجه کنیم، از خواندن کتاب، شرکت در دوره های آمادگی برای ازدواج، فرا گرفتن مهارت های ارتباطی و گفت وگو کردن غافل نشویم و به همدیگر گوش کنیم و بحران «گفت وگو» در کشورمان را جدی بگیریم.

خداحافظ مادر!

معمولا وقتی افراد عاشق می شوند از خیلی از نکات ریز و کلیدی که می تواند تغییرات بنیادی در زندگی آینده شان داشته باشد، غافل می شوند. مثلا اغلب اعتقاد دارند که تمام تلاش خود را خواهند کرد تا شیوه های رفتاری خانواده اصلی خود را در خانواده جدید به کار نگیرند. مثلا می گویند «من مثل پدرم نخواهم بود» یا «من قصد ندارم خرابکاری های خانواده ای را که در آن بزرگ شده ام، داشته باشم» در حالی که این تفکر اشتباه محض است.

روانشناسان می گویند اگر خانواده ای به صورت باز، راحت و صادقانه ارتباط برقرار می کند، جوان آن خانواده نیز احتمالاً بعد از ازدواج، به همان شکل ارتباط برقرار می کند. از طرف دیگر، اگر خانواده اصلی شخصی پر از اختلاف و تعارض باشد، احتمالاً آن شخص نیز همان الگو را در ارتباط زناشویی به کار خواهد گرفت.

بنابراین اگر اعضای خانواده تان غرغرو هستند، پس به احتمال زیاد شما هم آن رفتار را بعد از ازدواج ادامه خواهید داد. البته این به آن معنی نیست که نمی توانید شخصیتی که می خواهید باشید! شما قدرت تشخیص و تغییر آنچه را که در خانواده خود آموخته اید دارید، ولی این کار نیاز به توجه هشیارانه، خواست شخصی و اراده شما دارد.

همیشه یادتان باشد که مردم بعد از ازدواج تمایلی برای تغییر رفتار خود نخواهند داشت. بخصوص این که یکی از دلایل عمده که سازگاری زوج های جوان را با ازدواج مشکل تر می کند، ایده آل گرایی افراطی آنهاست. ارتباطات پیش از ازدواج اغلب با افسانه ها و خیال پردازی ها پر می شود، به ویژه این اعتقاد که صفات نامطلوب همسر بعد از ازدواج تغییر خواهد کرد!

شخصی که قبل از ازدواج اغلب دیر بر سر قرارهایش حاضر می شود، نوعاً بعد از ازدواج نیز این گونه عمل خواهد کرد. شخصی که قبل از ازدواج شلخته بوده، بعد از ازدواج نیز شلخته خواهد بود؛ اما شلختگی او بعد از ازدواج آشکارتر و مشکل سازتر است. یادتان باشد ازدواج نمی تواند آدم ها را تغییر دهد، حتی ممکن است صفات نامطلوب به علت ارتباط بیشتر در ازدواج آشکارتر شود.

آنهایی که نامزدند باید یاد بگیرند که ازدواج مستلزم روی برگرداندن از بعضی آزادی ها برای بالیدن است. دیگر زوج ها، آن دختر و پسری نیستند که هر روز در انواع برنامه ها شرکت می کردند و با دوستانشان برنامه می گذاشتند. ضمن اینکه باید در راه زندگی با خانواده مشورت داشت، اینکه برخی از ما به محض ازدواج «خانواده» خود را ترک می کنیم، به خاطر ضعف شخصیتی ماست، ما بدون خانواده خود، مانند بادبادکی رها در آسمان بدون اتصال به زمین هستیم؛ گول همسر خود را نخورید که به اسم «استقلال» شما را از خانواده و خانواده را از شما جدا کند...

چرا مرا انتخاب کردی؟

دلایل هشیار و ناهشیار زیادی دو نفر را مجذوب یکدیگر می کند. یکی از راه های بهبود روابط ، کشف این دلایل است. زن و شوهر ها بایستی بدانند چرا یکدیگر را دوست دارند، کجاها شبیه هم هستند و کجاها با هم تفاوت دارند و چرا می خواستند که با هم ازدواج کنند. این امر باعث می شود به ویژگی های مثبت همسرتان خوگیری پیدا نکنید و دلیل انتخاب همسرتان را به عنوان شریک زندگی از یاد نبرید . برای شناخت بیشتر دلیل ازدواج با همسرتان می توانید شرایط زیر را نیز در نظر بگیرید: اولین چیزی که از همسرتان شما را مجذب خود کرد چه چیزی بود؟ مجذوب چهره و حرکات همسرتان شدید و یا بعد از صحبت احساس اشتراک می کردید؟ به صورت دفعی عاشق همسرتان شدید یا با زندگی و تجربه رابطه محکمی پیدا کردید؟ احساس می کنید در چه زمینه هایی شبیه شما است و در چه زمینه هایی با هم تفاوت دارید؟ دوست دارید چه صفتی از همسرتان را افزایش و کدام را کاهش دهید؟ اگر بخواهید همسرتان را در یک یا چند صفت خلاصه کنید چه چیزهایی را نام می برید؟ چه شباهتی بین همسرتان و والدین شما وجود دارد؟

خوشحالم که «تو» قسمتی از زندگی ام هستی!

روانشناسان معتقدند که احساسات عاشقانه تقریباً در بهترین حالت خود تا سه سال طول می کشد. در واقع باید منتظر تغییراتی در احساسات اولیه عشق باشیم. با این حال بسیاری از روانشناسان معتقدند می توان احساس عشق را برای مدت طولانی تری زنده نگاه داشت. ضمن اینکه آموزه های دینی ما این نکته را آموزش داده که رابطه عاشقانه باید تداوم داشته باشد تا زندگی خانوادگی به شکوفایی و تکامل برسد و این مهم با اعتماد و احترام طرفین محقق می شود. اما چگونه؟

صادق باشید و همدیگر را در احساساتتان سهیم کنید؛ یک رابطه خوب بر پایه صداقت و احترام بنا می شود. صداقت عنصری ضروری برای یک رابطه عاشقانه است. همچنان که در عشق پیش می روید، بیشتر خودافشایی کنید، از گذشته بگویید و در مورد آرزوها و امیدهای خود صحبت کنید. اگر در موضوعی دیدگاه متفاوتی دارید، با صمیمیت به نظرات هم احترام بگذارید.

تحسین کنید؛ توانایی های همسرتان را تحسین کنید و در جست وجوی چیزهای کوچک باشید هر روز توانایی همسرتان را تحسین کنید، برای مثال «صبوری شما همیشه مرا تحت تاثیر قرار می دهد» یا «چه دست پخت خوبی دارید».

گوش دادن را یاد بگیرید؛ از نظر کلامی خانم ها و آقایان با هم متفاوت هستند، خانم ها قدرت پردازش بیشتری در فهمیدن، پردازش کردن و گوش دادن صحبت های دیگران دارند که ریشه در تعداد بیشتر سلول های عصبی مرتبط با پردازش های زبانی در قسمت چپ مغز دارد. چه صحبت کننده هستید و چه گوش کننده، یاد بگیرید که چگونه گوش کننده فعالی باشید. به چهره فرد مقابل نگاه کنید و با نشانه های کلامی مانند آهان و نشانه های بدنی مانند تکان دادن سر جواب بدهید.

همواره بگویید دوستت دارم؛ گفتن این دو کلمه کار ساده ای نیست. بسیاری از افراد در خانواده هایی بزرگ شده اند که احساس دوست داشتن را به صورت کلامی انتقال نمی دهند. بعضی ها در نهایت از طریق پیام یا از طریق ایمیل این کار را می کنند. وقتی به چشمان همسرتان نگاه می کنید و می گویید دوستت دارم مغز ماده ای به نام اکسی توسین که به هورمون عشق معروف است، ترشح می کند، ماده ای که در تحکیم یک رابطه عاشقانه بسیار موثر است.

معمولا زمانی که ما عاشق کسی می شویم، به او احترام می گذاریم، با او مهربانیم و بدی هایش را جزئی می بینیم و به نظرمان خیلی خوب است؛ سپس با او ازدواج می کنیم، اما بعد از ازدواج دیگر به اندازه قبل به او احترام نمی گذاریم، از کوچک ترین کارش ایراد می گیریم و خطاهای کوچکش را بزرگ می پنداریم. احتمالاً به این دلیل که شما آگاهی بیشتری از همسر خود پیدا می کنید و آنها را بیش از اندازه معمولی می بینید، پذیرفتن عادت های ناراحت کننده همسر شما برایتان سخت تر می شود. اما به یاد داشته باشید که ارتباطات شاد و سالم بر اساس مهربانی و سخاوتمندی بنیانگذاری می شود. درست مثل قبل از ازدواج سعی کنید، خطاها و اشتباهات همسرتان را در ذهن خود بزرگ نکنید. مدام به هر کاری که می کند، انتقاد نکنید و فکر نکنید او هیچ کاری را به تنهایی نمی تواند انجام دهد و همیشه نیازمند پشتیبانی شماست.

احترام، حریم حمایتی از یک رابطه سالم است. زن و شوهر هایی که برای هم احترام قائلند، در واقع به حقوق فردی یک انسان اهمیت می دهند. این زوج ها با احترام به یکدیگر پایه های یک زندگی محکم را بنا می کنند، چه احترام کلامی و چه احترام عملی.

حواستان جمع این موانع باشد!

نگرش ها و باورهای خانم و آقا می تواند مانعی برای ارتباط صحیح شود. نگرش های افراد به صورت موانع ارتباطی، موجب مشکلات می شود و همچنین نمی گذارد زن و شوهرها مشکلات خود را حل کنند. بسیاری از موانع ارتباطی، به صورت قواعدی در ذهن افراد در می آید، قواعدی که اصول زندگی و روابط زناشویی می شود. حواستان جمع باشد که درگیر این قواعد نشوید: «حق با من است و من مجبور نیستم حرف هایت را بشنوم. با من بحث نکن، من درست می گویم و .../ از من توقع کمک نداشته نباش. خودت باید مشکلت رو حل کنی. مشکل من نیست، مشکل خودته!/ تو باید من را شناخته باشی، چرا باید ما بر سر این چیزها بحث کنیم؟! تو باید بتوانی احساسم را درک کنی؟ و.../ تو اگر عاشق من هستی پس چرا باید سر این جور مسائل با هم بحث کنیم. چرا با من موافق نیستی؟ و.../ اگر من را دوست داری باید این کارها رو برای من انجام دهی. اگر این طور نیستی پس دروغ می گویی که من را دوست داری و...»

روانشناسان معتقدند موانع ارتباطی، نشانه ای از تصور اشتباه خانم و آقا در مورد زندگی مشترک است. موانع ارتباطی نشانه هایی از توقعات نابجا نیز است. بنابراین توقع و انتظارات زناشویی خود را مورد بررسی قرار دهید تا موانع ارتباطی موجود در ارتباط زناشویی خود را بشناسید.

از رویای شیرین تا جنگ خونین

همه انسان ها در طول زندگی خود تغییر می کنند و به موازات این تغییرات جنبه هایی از زندگی آنها نیز تغییر می کند. یکی از چیزهایی که در طول زندگی زناشویی تغییر می کند نوع و جنس رابطه است. «مرحله رویایی، مرحله ستیزه جویی، مرحله سکون و مرحله حیاتی» مراحلی هستند که هر فردی در دوره ای با او روبه رو می شود .

مرحله رویارویی: اغلب زوج ها مرحله رویارویی را در آغاز رابطه شان تجربه می کنند، اگرچه بسیارند کسانی که این مرحله را در زمانی دیگر مانند اواسط عمر تجربه می کنند. در این مرحله هر دو نفر درباره زندگی رویا پردازی می کنند و آینده رضایت بخشی را ترسیم می کنند.

در این زمان افراد آنچه را که می خواهند در یکدیگر می بینند و مجذوب تفاوت ها می شوند.

سطح بالاتری از نشاط، امید را تجربه می کنند و احساس می کنند شریک زندگی خود را پیدا کرده اند. در این مرحله بر «ما و آینده ما به عنوان یک زوج تاکید می شود». در این زمان به نقاط مثبت می نگرید، هرچند باعث نادیده گرفتن بخش هایی از واقعیت شود.

اما مرحله ستیزه جویی پس از مدت زمان کوتاهی، زوج ها متوجه می شوند که رویاهایشان کم رنگ تر شده است و پیش بینی هایشان درست از کار در نیامده است. بیشتر احساس ناامیدی، ناکامی و سرخوردگی می کنند. مسیر زندگی آن گونه که آنها فکر می کردند هموار نبوده است و با مشکلاتی زیادی دست و پنجه نرم می کنند. اختلاف هایشان برجسته تر می شود و هر یک سعی می کنند دیگری را تحت تاثیر قرار بدهند، تا تغییر کند.

در مورد هم تعبیر و تفسیر می کنند. در مورد میزان قدرت دچار مشکل می شوند و سوالاتی مانند سوالات زیر می پرسند: چه کسی باید راجع به چه چیزی تصمیمی بگیرد؟ چه کسی باید تغییر کند، من یا تو؟ قدرت باید بین ما چطور توزیع شود؟ و... آنچه در این مرحله زیاد بر آن تاکید می شود «تغییر دادن طرف مقابل به جای خود است».

مرحله سکون، بعد از آنکه زندگی ستیزجویانه را پشت سر می گذارید، مرحله سکون به سراغ شما می آید. خود، همسر و در کل زندگی را بیشتر می پذیرید. به خواسته ها و استقلال همسرتان نیز بیشتر توجه می کنید. کمتر دچار هیجانات مانند خشم و ناامیدی می شوید و در برابر مشکلات مقاوم تر هستید و سعی می کنید راه بی تشنج و سازنده تری برای حل آنها در پیش بگیرید. زمان کمتری را با هم سپری می کنید و بیشتر به علایق فردی، دوستان و شغل خود می پردازید. افراد در این مرحله سعی می کنند خود را بیشتر بشناسند و به تعریف جدیدی از خود برسند. در این مرحله بیشتر بر این موضوع تاکید می شود که « من به عنوان یک فرد کیستم؟».

اما مرحله حیاتی، مرحله ای است که همه افراد آن را تجربه نمی کنند. این مرحله زمانی رخ می دهد که زوجین با یک مشکل بزرگ و یا تغییر بزرگی روبه رو می شوند. مشکل و یا تغییری که در صورت حل شدن و یا اعمال به نفع یکی از زوجین است و یکی باید برای دیگری ایثار کند. این مرحله زمانی است که زوجین با آزادی برای زندگی خود و زندگی مشترکشان تصمیم می گیرند. آنچه در این رابطه به محک گذاشته می شود، نوع و کیفیت رابطه زوجین است. آنچه در این مرحله بر آن تاکید می شود«ما چه کسانی هستیم و تا کجا برای هم خواهیم ماند» است. افراد در این مرحله دوست دارند بدانند همسرشان آنها را چقدر دوست دارد و نوع واکنش همسر را میزانی برای این موضوع می پندارند.

طنز سوم

دسته بیل طلا تقدیم می شود به...

جشنواره جشنواره ها برسد به دست استاد مهندس آنتن و رفقا

هیئت داوران نخستین جشنواره جشنواره ها بزرگداشت «ماه و می» بهترین های یک ماه بخور بخور فرهنگی را شناسایی و طی مراسم ویژه ای در شب عید فطر در سالن همایش های آنجا مورد تقدیر قرار دادند. در این دوره چهار سریال ویژه به مرحله نهایی راه یافته بودند که با حضور جناب استاد مهندس آنتن و جمعی از مدیران لایق ایشان تجلیل شدند. «دسته بیل طلا» تندیس ویژه جشنواره جشنواره ها بود که با حضور محمود شهریاری به برگزیدگان اهدا شد. میرزا قلمدون کیهانی، دبیر نخستین جشنواره «دسته بیل طلا» قبل از اعلام آرای نهایی با تقدیر ویژه از زحمات مهندس آنتن و رفقا، خواستار تمدید و یا تکثیر ماه خدا و متعاقبا تکثیر این جشنواره شد و خطاب به مهندس گفت: تو خودت نقل و نباتی...آبنباتی آبنباتی...وی افزود: دنیا مث تو دیگه نداره، نه داره نه می تونه بیاره!

شایان ذکر است مهندس آنتن نیز در واکنش به این اظهارات برای میرزا نیم خیز شد و نشست.

متن بیانیه هیئت داوران نخستین جشنواره جشنواره ها بزرگداشت «ماه و می» بدین شرح اعلام شد:

هیئت داوران جشنواره بعد از یک ماه تحمل سریال های ویژه تلویزیون با تاسف از پایان ماه خدا و سریال های مفرح و منبسط خاطر سیما، خواستار تکرار دوباره و بلکه سه باره مجموعه های یادشده از شبکه های تلویزیونی است و اعلام می دارد: دوباره...دوباره...یه بار اصلا راه نداره!

با این حال نامزدهای برگزیده هر بخش را به شرح زیر اعلام می دارد؛ به برگزیدگان نهایی علاوه بر دسته بیل طلا، یک دوره لوح فشرده مرغوب «بیست و سی» و دی وی دی «آبیاری خلاق» اهدا می شود. دیپلم افتخاح بخشید افتخار به همراه «دسته بیل طلا» با تقدیر ویژه از «۵ کیلومتر تا بهشت» تقدیم می شود به «سه دونگ سه دونگ» برای نگاهی ویژه به همه چیز به ویژه فقر و فرهنگ.

دیپلم بوووووق همراه با «دسته بیل نقره» مزین به دستخط مهندس تقدیم می شود به «سقوط یک فرشته» به خاطر صعود چندین فرشته دیگر در روز روشن و نگاهی خاص به شیطان و هالیوود!

دیپلم بوووووق و دسته بیل طلا به خاطر تلاش شایان توجه در جهت خلق شیاطین باورپذیر تقدیم می شود به دو کارگردان زحمتکش «سقوط یک فرشته» به خاطر صدا و تصویر فوق العاده از شیطان.

دیپلم بوووووق و دسته بیل نقره برای استفاده عاشقانه و رمانتیک از «روح» تقدیم می شود به کارگردان و نویسنده خلاق «۵ کیلومتر تا بهشت» برای ایجاد رهایی انسان از تنهایی در عالم برزخ با حضور بانو!

دیپلم بوووووق و دسته بیل طلای بهترین بازیگر زن با تقدیر ویژه از همه بازیگران همه سریال ها، اشتراکی تقدیم می شود به «سارا» در سقوط یک فرشته به خاطر بازی زیر پوستی و خوب گول خوردن و «فاطمه» (دوست رویا) در ۵ کیلومتر تا بهشت به خاطر نمایش فوق العاده یک دختر گاگول.

دیپلم بوووووق و دسته بیل نقره بهترین بازیگر زن نیز تقدیم می شود به «خانم» ۵ کیلومتر تا بهشت به خاطر بازی قابل قبول در قالب یک روح ویژه، در این بخش «آیدا» نیز به خاطر بازی احساسی و عاشقانه که دل همه بینندگان را آب کرده بود، شایسته تقدیر شناخته شد.

هیئت داوران یک خاور دسته بیل طلا به همراه سفر به «این تالیا» را تقدیم می کند به تیم بازیگری «سه دونگ سه دونگ» به خاطر عرق ریزان بازی در یک سریال پیچیده و مفرح.

هیئت داوران جایزه دسته بیل طلای خود را به خاطر بهترین فیلمنامه تقدیم می کند به فیلمنامه نویس «سقوط یک فرشته» به خاطر هنر معجزه گون او در تبدیل چهار خط متن به ۳۰ قسمت سریال.

هیئت داوران در این بخش به خاطر خلاقیت بالای نویسنده «سقوط یک فرشته» عمرا از فرد دیگری تقدیر کند تا عمق جایزه بالایی به گیرنده اش معلوم شود.

در این بخش مهندس آنتن، از جیب خودش یک سفر دوره ای به تپه های بلبل آباد را به نویسنده «سه دونگ سه دونگ» اهدا کرد ولی هیئت داوران همچنان به رای خود ایمان دارد و در مقابل فیلمنامه کولاک «سقوط یک فرشته» لنگ انداخته و سر تعظیم فرود می آورد.

هیئت داوران در بخش کارگردانی، جایزه ویژه خود یعنی سه دست چلو کباب برگ با سیخ و دسته بیل طلا را تقدیم می کند به مهندس عزیز به خاطر تلاش شبانه روزی برای رژه رفتن روی اعصاب ملت و کارگردانی شب های ملت پای تلویزیون.

علاوه بر این، هیئت داوران دیپلم بوووووق و دسته بیل طلا را تقدیم می کند به کارگردانان «سقوط یک فرشته» به خاطر استفاده فوق العاده از شیلنگ و آب و هنر.

همچنین در این بخش یک دسته بیل نقره و روبان پیچ تقدیم شد به کارگردانان «۵ کیلومتر تا بهشت» و «سه دونگ سه دونگ» به خاطر اعتماد به نفس بالا در اطلاق عنوان کارگردان به خود!

هیئت داوران جایزه هنر – صنعت خود را تقدیم می کند به بازیگر نقش «یاور» به خاطر حضور در صحنه و ویبره به موقع در سکانس های مختلف.

دیپلم بوووووق و دسته بیل طلای بهترین بازیگر مرد با افتخار مشترکا تقدیم می شود به «امیرحسین» و «نیما» به علت بازی درخشان و خنده دار.

همچنین سه دسته بیل نقره به سه بازیگر اصلی «سه دونگ سه دونگ» به خاطر بازی های کاملا زیرپوستی و دیوانه کننده به عنوان سه برادر تقدیم شد.

دسته بیل طلا و جایزه بهترین گریم و جلوه های ویژه تقدیم می شود به «۵ کیلومتر تا بهشت» به خاطر «گریم و جلوه های ویژه بدون دخالت دست». در این بخش دسته بیل نقره به «سه دونگ سه دونگ» رسید که به خوبی توانسته بود، شعار «هر کی خودش باشه» را عملیاتی کند.

دیپلم بوووووق و دسته بیل طلای بهترین مشاور مذهبی به جناب آقای مشاور در «سقوط یک فرشته» که دست برقضا «۵ کیلومتر تا بهشت» را هم مشاوره داده بود به خاطر تزریق منبر مذهبی به قسمت آخر سریال به شیوه کاملا هنرمندانه و اعتماد به نفس بالا برای حضور در برنامه زنده و دفاع از عملکرد خود. استاد مهندس نیز از جیب خود، مشاوره دو سریال دیگر را نیز به این مشاور عزیز اهدا کرد.

هیئت داوران همچنین دسته بیل طلا با نون اضافه را تقدیم می کند به مدیر شبکه سوم به خاطر اعتماد به نفس بالا در حد تیم ملی و دفاع جانانه و حرفه ای از «۵ کیلومتر تا بهشت» با این جملات: کسی که نرفته اون طرف بدونه روح چجوریاس؛ این انتقادها رو قبول ندارم، خیلی هم خوب بود سریال...

هیئت داوران جایزه «تلاش ویژه» خود را تقدیم می کند به مدیر شبکه دوم سیما برای پرت کردن سریال این شبکه به زمانی که هیچ کسی آن را نبیند؛ حتی هیئت داوران. ضمن اینکه دسته بیل طلای بخش بهترین تهیه کننده نیز تقدیم می شود به تهیه کننده «سی امین روز» به خاطر تعویض کارگردان وسط فیلمبرداری و ایجاد فضای انس و جنجال برای تیم سازنده.

جایزه ویژه هیئت داوران شامل دسته بیل طلا، لوح بوووووق و چهار حلقه لاستیک تقدیم می شود به معاون محترم سیما به خاطر اعتقاد ویژه ایشان به روح!

بنابراین گزارش، بعد از اهدای جوایز، هنگامی که مهندس می خواست در دقایقی کوتاهی از همه هنرمندان تشکر کند، ملت برای صرف شام، سالن همایش ها را ترک کردند.

از آب گذشته!

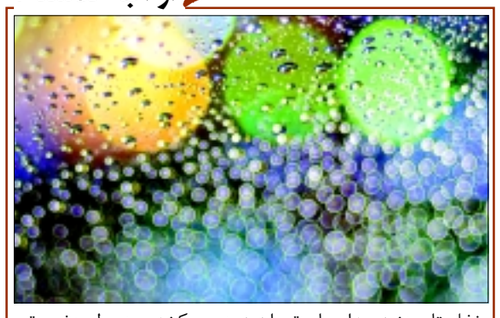

نخلستان هنوز صدای پای تو را زمزمه می کند و به عِطر حضور تو قامت راست می کند. خاک رد گام های تو را مدال افتخار به سینه کرده است و آسمان به سایه ساری سرت مباهات می کند، شب فخرفروشی محرم راز و نیاز و گریه های تو بودن را فریاد می کند ولی چاه بغض در گلو و آتش در سینه، تنها رازداری می کند.

گوش محرم چاه دلتنگ همنوایی شبانه است و سکوت ممتدش رازداری اش را گواه می کند. مولاجان اگر بیایی شاید هنوز همنوایی جز چاه و خلوتی همچون تاریک نخلستان نجوای تو را به گوش جان نشنود .

اما علی جان به فاطمه سوگند دگر به لشگر هزار رنگ بی وفای کوفی بی نیاز گشته ای دگر به گرمای شهوت و ثروت تب نمی کنیم و به س